بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه25- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت علم اجمالی تاریخ: شنبه 25/9/96

**کلام منتهی شد به موردی که مکلف قادر است بر امتثال تفصیلی و عمل هم عملی است که امرش دائر است بین الوجوب و الاباحه و خود عمل هم تکلیفی است استقلالی. در این جا دو نظریه مطرح شد. نظریه ی محقق نائینی و نظریه ی محقق خویی. چنانکه عرض کردیم چون بحث بحث عبودیت است و مولای حقیقی آنهم مولایی که دائره ی اوامر خود را محدود کرده و کسی را حق ورود به دائره ی تقنین او نیست و از سوی دیگر این مکلف هم قادر است بر امتثال تفصیلی در چنین جایی امتثال احتمالی مجزی نیست وفاقا للمحقق النائینی و اگر هم نوبت به شک برسد با توضیحی که دادیم قاعده ی اشتقال است.**

**حالا می رویم سراغ جایی که احتمال می دهیم تکلیفی را ضمنا. نمی دانم سوره جزء نماز است یا نه. می روم سوره را در نماز می خوانم. یا اساسا امرم دائر است بین الوجوب و الاباحه. آقای خویی می فرماید آن که در آنجا که گفتیم. هیچ اشکالی در احتیاط نیست و اگر در واقع واجب بود تکلیف ساقط شده.**

**همان بحثهای قبل در اینجا هم می آید اگر امر دائر بین وجوب واباحه باشد.**

**تا اینجا مستلزم تکرار نبود. اما گاهی اگر بخواهم احتیاط بکنم حتما باید عملی را مجددا تکرار کنم مثل قصر و تمام و جایی را هم داریم بحث می کنیم که امتثال تفصیلی ممکن باشد.**

**اشکال اول: این لعب به امر مولاست چون لعب به امر مولاست امتثال نیست.**

**مرحوم آخوند دو تا جواب در کفایه داده است. 1. اگر تکرار واجد غرض عقلایی بود این دیگر لعب و عبس نیست. مثل اینکه می خواهد راحت باشد. یعنی تحقیق و تفحص سخت است. 2. اگر هم لعب باشد اینجا لعب در کیفیت امتثال است نه در خود امتثال. بله یکی از این دو تا لعب است اما یکی هم مصداق مأمور به است. من درکیفیت امتثال لعب کرده ام نه اینکه هر دو شق لعب باشد. آنچه که مشکل دارد این است که هر دو لعب باشد. در مصباح الاصول جواب اول را مناقشه کرده. مراجعه فرمایید.**

**اما اشکال دوم مثل مرحوم نائینی جلوی می آید. بگوییم امتثال اجمالی در طول امتثال تفصیلی است و اینجا چون امتثال یقینی ممکن است عقل جا برای امتثال احتمالی باقی نمی گذارد.**

**جواب این است که عقل مشرع نیست ولی یک نکته را باید اینجا ملاحظه کرد که دیگر حرف آقای نائینی که در شق قبل می آمد اینجا نمی آید. اگر امر بین الوجوب و الاباحه بود آن حرفها درست بود اما اینجا امر دائر است بین اینکه قصر واجب است یا تمام. اینجا امتثال من امتثال احتمالی دیگر نیست. امتثال اجمالی است و مشکلی ندارد که من به قصد انجام واجبی که بر عهده دارم هر دو را انجام بدهم تا آنچه بر عهده ی من هست انجام داده باشم. این جا دو تفاوت با صورت قبل دارد یکی اینکه امر دائر است بین وجوب الف یا وجوب باء پس بالاخره امری هست. از آنطرف اینجا با تکرار عمل احتیاط صورت می گیرد.**

**این در جایی بود که تمکن از امتثال تفصیلی داشتم اما اگر متمکن از امتثال تفصیلی نبودم و امر دائر شود بین احتیاط و یا امتثال تفصیلی ظنی و انسدادی هم نباشیم (یعنی ظنون خاصه ای داشته باشیم) آیا احتیاط کنم یا به ظنون خاصه مراجعه کنم.**

**جواب: آقای انفتاحی ظن خاص را درست است که بعد از علم تفصیلی قرار می دهد ولی همه ی احکام علم را بر آن بار می کند. لذا اگر کسی در فرض قطع گفت با فرض تمکن از امتثال تفصیلی از امتثال اجمالی جائز است در اینجا هم همین طور است.**

**حال اگر امر دائر بین احتمال و ظن بود چه باید کرد؟ آیا باید اول مظنون را بیاورم بعد محتمل را بیاورم؟ خیر می توانید اول عمل احتمالی را بیاورید بداعی احتمال و بعد عمل ظنی را بجا بیاورید. اگر کسی گفت با فرض ظن به ظن خاص می توان احتیاط کرد فرقی نمی کند محتمل را اول بیاوریم یا بعد.**

**اما اگر بحث انسداد شد یعنی من متمکن از امتثال تفصیلی یقینی نشدم. امر دائر شد بین احتیاط یا به ظن انسدادی عمل بکنم.**

**اگر در چنین جایی ولا یخفی أن هذا البحث إنما هو علی تقدیر عدم جواز الاحتیاط مع التمکن من الامتثال بالعلم التفصیلی أو التمکن من الامتثال بالظن الخاص. فعلی هذا التقدیر یقع الکلام فی أن الظن المطلق کالظن الخاص فی عدم جواز الاحتیاط مع التمکن منه اولی. این بحثی که الان می کنیم این است که قبلا یک مبنایی داشته باشیم که با تمکن از امتثال تفصیلی احتیاط ممکن نباشد. با تمکن از امتثال ظنی به ظن خاص احتیاط ممکن نباشد. ظن مطلق هم مثل ظن خاص هست یا نه؟**

**اما اگر کسی گفت که با تمکن از علم تفصیلی احتیاط ممکن است قطعا با تمکن از ظن انسدادی هم احتیاط ممکن می شود. چون ظن انسدادی که به پایه ی علم نمی رسد. اگر شما با فرض تمکن از علم احتیاط را گفتید اشکالی ندارد قطعا با تمکن از ظن مطلق مشکلی نخواهد داشت منتهی در اینجا یک حرفی را شییخ انصاری دارد. ظاهر کلام شییخ این است که در صورت انسداد، می شود به ظن مطلق عمل نکرد و اکتفا کرد به احتیاط و امتثال اجمالی.**

**خلاصه جواب این است که کدام انسدادی؟ آن انسدادی که یکی از مقدمات انسدادش عدم رضایت شارع به احتیاط است این را می گویند کشف. یا آن انسدادی که یکی از مقدمات انسدادش عدم لزوم احتیاط است، اگر انسدادی شدید بر پایه ی کشف حق احتیاط ندارید چون می گویید شارع راضی به احتیاط نیست. پس بگویید اگر انسدادی شدیم و قائل به کشف نباشیم، بگوییم مقدمه ی انسداد عدم لزوم احتیاط است نمی توانیم قائل به احتیاط شویم در صورتی می توانیم قائل به احتیاط شویم که قائل به حکومت شویم.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**